

Study of Social Rights and Rehabilitation of Children with Disabilities in International instruments and Iranian Laws

*Manuchehr Tavassoli Naini¹,
Minou Tabatabaie², Raheleh Jagir³*

Abstract

Attention to the issue of children with disabilities and the necessity of rehabilitation for regaining maximum possible extent of their abilities was initiated in the mid-19th century; this trend continued with ups and downs until attention to the rights of disabled persons reached its pinnacle at the beginning of the new millennium through the enactment of the Convention on the Rights of Disabled Persons in 2006. Meanwhile, the issue of social and rehabilitation rights of the Children with disabilities is also of utmost importance. One of the important issues that make social rights and rehabilitation of persons with disabilities more particularly relevant is the different circumstances in which the disabled are placed and throughout history this difference has caused them to be deprived of their rights. In the recent century, with condition of various laws, organizations in many countries and many international bodies have taken effective steps through legislation with respect to disability rights; and countries through adopting these laws, of which the Convention on the Rights of Persons with Disabilities is the most important; have accepted the rights of the disabled. However, it is noteworthy that the basis of this legislation and how to implement it is of utmost importance; whether the laws are implemented thoroughly or just being written on down. Unfortunately, the interval between codification of the law and its

1. Associate Professor of Department of Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran.
(Corresponding author) Email: tavassoli@ase.ui.ac.ir

2. Assistant Professor of Educational Sciences, Department of Educational Sciences, Payame Noor University, Fouladshahr, Iran.

3. M.A. in Private Law, Department of Law, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Original Article

Received: 2 Jul 2019

Accepted: 13 Nov 2019

administration in developing countries such as Iran a huge gap is noticeable and there is a long way to go to meet the international standards.

Keywords

Persons with Disability, Social Rights, Equal Opportunity, Convention on the Rights of Persons with Disabilities, Standards Rules

Please cite this article as: Tavassoli Naini M, Tabatabaie M, Jagiri R. Study of Social Rights and Rehabilitation of Children with Disabilities in International instruments and Iranian Laws. Child Rights J 2020; 1(4): 61-83.

بررسی حقوق اجتماعی و توان بخشی کودکان معلول

در اسناد بین‌المللی و قوانین ایران

منوچهر توسلی نائینی^۱

مینو طباطبایی^۲

راحله جاگیری^۳

چکیده

توجه جامعه بین‌الملل به مسأله کودکان معلولین و لزوم توان بخشی آنان برای بازیافت حداکثر توانایی ممکن، در اواسط قرن نوزدهم آغاز و این روند با فراز و نشیب‌هایی همچنان ادامه داشت تا این‌که در آغاز هزاره جدید میلادی با تصویب کنوانسیون حقوق معلولین در سال ۲۰۰۶ به اوج خود رسید. در این میان، مسأله حقوق اجتماعی و توان بخشی کودکان معلول از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از مسائل مهمی که باعث می‌شود به حقوق اجتماعی و توان بخشی معلولین به طور خاص توجه شود، موقعیت متفاوتی است که معلولین در آن قرار گرفته‌اند و در طول تاریخ این تفاوت سبب شده است که از حقوق خود محروم گردند. در قرن اخیر با وضع قوانین مختلف از سوی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در جهت حقوق معلولین گام‌های مؤثری برداشته شده است و دولت‌ها نیز با پیوستن به این قوانین که مهم‌ترین آن‌ها کنوانسیون حمایت از معلولین می‌باشد، حقوق معلولین را پذیرفته‌اند، اما نکته‌ای که حائز اهمیت است، مبنای این قانونگذاری‌ها و نیز چگونگی اجرای آن‌هاست، این‌که قوانین به درستی اجرا می‌شوند یا فقط روی کاغذ پذیرفته شده‌اند. متأسفانه در فاصله تدوین و اجرای قوانین

۱. دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: tavassoli@ase.ui.ac.ir

۲. استادیار علوم تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، فولادشهر، ایران.

۳. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۴/۱۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۸/۲۲

مذکور در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران شکاف بزرگی مشهود است و تا رسیدن به آنچه در اسناد بین‌المللی پذیرفته‌ایم، فاصله وجود دارد.

واژگان کلیدی

معلولین، حقوق اجتماعی، فرصت برابر، کنواسیون حقوق معلولین، قواعد استاندارد

مقدمه

توجه به قشر عظیم افرادی که اغلب به عللی خارج از اراده به نوعی ناتوانی دچار می‌شوند، برای رسیدن به منزلتی برابر برای تمام انسان‌ها یک امر مسلم است، هرچند در ابتدا این حرکت با تصویب اسناد غیر الزام‌آور بود، ولی سرانجام جامعه بین‌المللی شاهد تصویب کنوانسیون‌های در جهت بیان حقوق توان‌یابان گردید.

طبق یک برآورد کلی توسط سازمان بهداشت جهانی شمار این افراد روز به روز در حال افزایش می‌باشد و امروزه بیش از ۱۵٪ معلول در جهان وجود دارد (۱) که بر طبق برآوردهای برنامه توسعه سازمان ملل متحد ۸۰٪ معلولین در کشورهای در حال توسعه هستند. فقر به عنوان بزرگ‌ترین معطل بشریت و مهم‌ترین عامل نقض حقوق بشر از علل مهم معلولیت به ویژه در کشورهای در حال توسعه است. ارزیابی بانک جهانی نشانگر این حقیقت است که ۲۰٪ مردم فقیر جهان معلول هستند (۲).

چالش برای بهبود زندگی و توان‌بخشی و رعایت حقوق معلولین به ویژه کودکان معلول که معضل مشترک جامعه بشری محسوب می‌شود و حل آن، در گرو اقدامات هماهنگ ملی و بین‌المللی است. برای گسترش این حمایت‌ها نیازمند تبیین حقوق اقتصادی و اجتماعی هستیم که متضمن رسیدن به سطحی از رفاه و توانمندی اقتصادی است تا جایی که تمام افراد جامعه بتوانند به صورت یکسان از حقوق مدنی و رفاهی خود بهره‌مند گردند. مقایسه جایگاه قوانین ایران در مورد کودکان معلول با استانداردهای بین‌المللی پیش از این مورد تحلیل واقع نشده است و پرواضح است که این مهم، می‌تواند ما را در جهت پیشبرد سریع‌تر در قانونگذاری بهتر و همچنین رفع تبعیض‌های حقوقی یاری کند و نگاهی نو نسبت به توان‌یابان و جایگاه آن‌ها در سطح جامعه مدنی و اجتماعی ایجاد کند.

تعریف لغوی معلولیت

معلول در فرهنگ‌های مختلف ببه معانی بیمار، ناتوان، علیل و ناخوش و توان‌یاب آمده است. واژه معلولیت، در زبان عربی به معنای «بیماری» است و به شخصی که دچار نارسایی جسمی یا ذهنی شده است، معلول می‌گویند (۳). در زبان‌های لاتین مانند فرانسه و انگلیسی از واژه «هندی کپ (Handicap)» استفاده می‌کنند و به افرادی اطلاق می‌شود که از موهبتی محرومند (۴). این معلولیت در قالب عقب‌ماندگی ذهنی، اختلالات رفتاری و گفتاری، معلولیت دیداری و شنوایی و معلولیت جسمی - حرکتی مطرح می‌شود (۵). در تحقیق اخیر، تعریف لغوی فوق‌الذکر نمی‌تواند مد نظر باشد. تعریفی مورد نظر ما، تعریفی است که در بیان حمایت از حقوق معلولین در دهه‌های اخیر ارائه شده است.

بر اساس قانون (رفع) تبعیض از معلولین در کشور انگلستان مصوب ۱۹۹۵ (DDA: Disability Discrimination Act)، معلولیت نقص جسمی یا ذهنی است که تأثیر نامطلوب بر توانمندی‌های شخص در انجام فعالیت‌های معمول روزمره دارد.

در «قانون برابری و معلولیت (Equality Act and Disability)» مصوب ۲۰۱۰ نیز همین تعریف تقریباً تکرار شده است و سرطان، ایدز و ام‌اس را داخل در معلولیت آورده است.

در فرانسه نیز در قانون مشارکت برابر معلولین مصوب ۲۰۰۵ (Pour L'égalité des Chances, la Participation et la Citoyenneté des Personnes Handicapées) خود راجع به حقوق معلولین چنین آمده است: «هر محدودیت حرکتی برای شرکت در زندگی اجتماعی به دلیل مشکل جسمی طولانی‌مدت یا دائمی از یک یا چند فعالیت فیزیکی حسی ذهنی - فکری یا مشکل سلامتی‌ای که معلولیت را باشد» (۶).

در ایران نیز مهم‌ترین قانون، «قانون جامع حمایت از معلولین» مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۶ است که در تبصره ماده یک آن، معلول فردی است که با تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی در اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی توأم، اختلال مستمر و قابل

توجهی در سلامت و کارآیی عمومی وی ایجاد گردد، به صورتی که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی می‌گردد.

تعریف فوق‌الذکر به تأثیر معلولیت در کاهش نقش و فعالیت اجتماعی اشاره می‌کند. لیکن به تأثیر موانع موجود در جامعه هیچ توجهی ندارد. بهتر می‌بود که به این نکته توجه می‌شد تا به معلولیت به عنوان یک دشواری فردی که منطبق با مدل‌های پزشکی و آسیب‌شناسی اجتماعی است، نگریسته نشود (۷).

مشکل دیگری که در این تعریف به نظر می‌رسد، «مستمر» و «قابل توجه‌بودن» اختلال می‌باشد که سبب می‌شود دایره افراد شمول معلولیت محدود شود.

از بررسی تعاریف معلولیت در کشورها می‌توان نتیجه گرفت که ملاک اکثر کشورها، استقلال شخصی بوده و خود معلولیت بیشتر از سبب معلولیت اهمیت داشته است. کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت صراحتاً به تعریف معلولیت نمی‌پردازد و معلولیت را یک مفهوم تکاملی و تحول‌پذیر می‌داند و این که معلولیت نتیجه تعامل افراد دارای نقص و موانع محیطی است که مانع مشارکت کامل و مؤثر، بر اساس اصول مساوی با دیگران می‌گردد. در نتیجه کنوانسیون نگرشی را ارائه می‌کند که از نظر زمان و در محیط‌های اقتصادی و اجتماعی مختلف قابل انطباق باشد (۸).

با توجه به تعاریفی که از معلولیت آورده شد، می‌توان گفت معلولیت، مجموعه‌ای از عوامل جسمی، ذهنی، اجتماعی و یا ترکیبی از آن‌ها می‌باشد که به نحوی در زندگی شخصی فرد اثر سوء به جا می‌گذارد و مانع از ادامه زندگی مستقل وی به صورت طبیعی می‌شود.

حقوق اجتماعی کودکان معلول

برعکس حقوق نسل اول بشر، حقوق نسل دوم مستلزم دخالت جدی دست‌اندرکاران خدمات عمومی، همراه با کمک مالی، حقوقی، سازمانی و اجرایی دولت‌ها می‌باشد. یکی از عناصر مهم حقوق نسل دوم، حقوق اجتماعی می‌باشد که پایه‌گذار هرگونه نظام منطقی حمایت اجتماعی است. در این راستا، نقش دولت در برخورداری مردم از حقوق

اساسی و شهروندی خود پرواضح است. در تحقیق اخیر سعی شده است حقوق اجتماعی کودکان معلول که نیاز به همکاری دولت دارد، تبیین و بررسی شود و جایگاه آن در قوانین مشخص گردد.

۱- حق بر توان بخشی

یکی از مهم‌ترین حقوق اجتماعی که می‌توان برای کودکان معلول نام برد، حق توان بخشی می‌باشد، چراکه برخورداری از آن، می‌تواند در نیل به سایر حقوق معلولین به عنوان شهروندی هم‌تراز با سایرین نقش عمده و چشم‌گیری ایفا کند. هدف اصلی توان بخشی معلولین عبارتست از افزایش کارایی و بازگرداندن هرچه بیشتر توانایی‌ها، به حداقل رساندن محدودیت‌ها، رساندن معلول به استقلال فردی، اجتماعی و اقتصادی در زندگی روزمره (۹).

لذا در توان بخشی کودکان معلول باید در بدو امر باید خصوصیات جسمانی، روانی، ذهنی و اجتماعی آنان با استفاده از ابزار مناسب تشخیص و سپس فرایند توان بخشی آغاز گردد.

بعد از مقاله‌نامه‌ها، اولین مقرراتی که در سطح بین‌الملل به طور واضح به بیان مسأله توان بخشی پرداخت، قواعد استاندارد درباره برابری فرصت‌ها برای معلولین است که در مقرر ۳ این قواعد چنین ذکر گردیده: «دولت‌ها باید از تدارک سرویس‌های توان بخشی افراد معلول برای رسیدن و حفظ حداکثر سطح استقلال و عملکرد ایشان اطمینان حاصل نمایند.»

در پیشبرد این هدف در قواعد استاندارد چندین وظیفه هم به تفصیل برای دولت‌ها مقرر و بیان شده که دولت‌ها باید برنامه‌های توان بخشی ملی را برای همه گروه‌های معلولین توسعه دهند. چنین برنامه‌هایی باید بر مبنای نیازهای اختصاصی افراد معلول و بر مبنای اصول مشارکت کامل و تساوی پایه‌ریزی و شامل طیف گسترده فعالیت‌هایی از قبیل آموزش مهارت‌های پایه یا جبران عملکرد مختل شده یا مشاوره با معلولین و خانواده‌های آنان و افزایش اتکا به خود و سرویس‌های ارزیابی و راهنمایی بوده و امکان نیاز به آن‌ها وجود داشته باشد. همچنین افراد معلول و خانواده‌های آن‌ها باید قادر

باشند در برنامه‌ریزی و سازماندهی سرویس‌های توان‌بخشی مرتبط به آن‌ها شرکت داشته باشند. تمامی سرویس‌های توان‌بخشی باید در جامعه محلی، یعنی محل زندگی فرد معلول وجود داشته باشد.

همچنین ذیل مفاد بند ۵ و ۶ مقرر شماره ۴ تحت عنوان سرویس‌های حمایتی بیان داشته است که: «دولت‌ها می‌بایست در برنامه‌های توان‌بخشی برای تدارک تجهیزات و لوازم کمکی نیازهای پسران و دختران در مورد طراحی، طول کارکرد و تناسب تجهیزات و لوازم با سن آن‌ها را در نظر بگیرند.»

در کنوانسیون ۲۰۰۶ مربوط به حقوق معلولین نیز در ماده ۲۶ دولت‌های عضو را جهت توانمندساختن افراد دارای معلولیت به منظور کسب و حفظ حداکثر استقلال، باید تمام تدابیر مناسب را اتخاذ کنند. بدین‌منظور دولت‌های عضو باید برنامه‌ها و خدمات توان‌بخشی را به ویژه در حوزه بهداشت، استخدام، آموزش و خدمات اجتماعی سامان داده و تداوم بخشند.

در ماده ۲۰ کنوانسیون مذکور در جهت افزایش تحرک شخصی به در دسترس بودن آموزش و تجهیزات نیز توجه داشته است و آن‌ها را از مهم‌ترین تدابیری دانسته است که دولت‌های متعهد باید رعایت دارند.

در کشور ما تا سال‌ها قبل، توجه به رفاه اجتماعی به طور کلی و امور معلولین به طور خاص صرفاً در قالب تکالیف مذهبی دیده می‌شد، اما آنچه در آیین‌نامه اجرایی ماده ۳ قانون جامع آمده است، سازمان بهزیستی کشور را موظف می‌داند در چارچوب اعتبارات مصوب در قوانین بودجه سالانه اقداماتی نظیر تأمین خدمات توان‌بخشی، حمایتی، آموزشی و حرفه‌ای مورد نیاز معلولین، همکاری بخش‌های غیر دولتی و پرداخت یارانه به آنان و خانواده‌ها، آموزش و توان‌بخشی، تأمین و تحویل وسایل کمک توان‌بخشی و... را به عمل آورد.

تا پیش از تصویب قانون حمایت از معلولین، موارد محدودی از قوانین در مورد توان‌بخشی وجود داشته است. قانون کار مصوب ۱۳۶۹، قوانین برنامه دوم و به ویژه سوم توسعه ماده ۱۹۲ و ۱۹۳ قانون برنامه سوم توسعه در حیطه‌های سالمندان، بیماران

روانی مزمن و مناسب‌سازی اماکن عمومی و خصوصی مواردی را ذکر کرده است که حائز اهمیت می‌باشد، البته در هنگام تدوین سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و نیز قانون برنامه چهارم توسعه نیز تلاش‌هایی به عمل آمد که متأسفانه پیگیری نشده است.

۲- حق بر تأمین اجتماعی

تأمین اجتماعی به عنوان یکی دیگر از حقوق اجتماعی افراد است که می‌دانیم، امروزه حق تأمین اجتماعی به عنوان یکی از حقوق اساسی افراد در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها جای گرفته است. این اصل یکی از راه‌کارهای اساسی تضمین و تحقق کرامت به عنوان مبنای وجودی انسان به عنوان هدف متعالی جامعه انسانی است (۱۰).

امروزه تأمین اجتماعی از عناصر گوناگونی تشکیل می‌شود که عبارتند از: بیمه‌های اجتماعی (Insurance)، مساعدت یا مددکاری اجتماعی (Social Assistance)، حمایت‌های خانواده (Social Benefits)، صندوق‌های احتیاط (Provident Funds)، تعهد کارفرمایان و... می‌باشد که کمال مطلوب آن است که هر کس در جامعه صرف نظر از جایگاهش در زندگی بتواند تحت حمایت تأمین اجتماعی قرار گیرد.

در قواعد استاندارد حفظ درآمد و تأمین اجتماعی بر اساس قاعده هشتم، دولت‌ها مسؤول ارائه تأمین اجتماعی و حفظ درآمد معلولین شناخته شده‌اند (بند ۱ قاعده ۸). همچنین دولت‌ها باید بهره‌مندی معلولین و افرادی که از آن‌ها نگهداری می‌نمایند، را از تأمین اجتماعی و سایر طرح‌های رفاه اجتماعی تضمین نمایند (بند ۲ و ۳ قاعده ۸).

نکته‌ای که در این قواعد مهم جلوه می‌نماید، حمایت‌های اجتماعی از پرستاران کودکان معلول می‌باشد. چنین اشخاصی، از جمله اعضای خانواده اشخاص دارای معلولیت، غالباً به دلیل نقش مساعدتی نیاز مبرمی به حمایت‌های مالی پیدا می‌کنند که این حمایت‌ها باید متناسب با نیازهای ویژه شخص در نظر گرفته شود.

همچنین مسلم است، سپردن کودکان معلول به نهادها و مؤسسات خاص جز در مواردی که به دلایل ضروری باشد، نمی‌تواند به عنوان جایگزین کافی برای تأمین اجتماعی و حقوق مربوط به حمایت از درآمد برای این گروه تلقی شود.

این مطلب در ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق معلولین نیز که وظیفه دولت‌های عضو می‌داند که معیارهای کافی برای زندگی معلولین و خانواده‌های آن‌ها به رسمیت بشناسند و یکی از معیارها را «مسکن مناسب» می‌داند، تأیید می‌گردد (۱۱).

یکی دیگر از اسناد بین‌المللی به نام «اهداف توسعه هزاره (Millennium Development Goals)» است که با هدف فقرزدایی از سطح جهان در سپتامبر ۲۰۰۰ در جلسه‌ای با حضور سران ۱۸۹ کشور عضو سازمان ملل مطرح شده و به دلیل رابطه بین فقر و معلولین به حقوق معلولین و حمایت تأمین اجتماعی آنان وجه نموده است. تحقیقات نشان می‌دهد که بیشتر مشکلات معلولین در نتیجه محروماندن و به عقب‌رانده شدن این افراد به خاطر تبعیضی است که ناشی از معلولیت آن‌ها می‌باشد. همانطور که در پیش‌گفتیم، معلولیت در کنوانسیون حقوق معلولین به گونه‌ای تعریف شده است که باید موانع اجتماعی و محیطی برای معلولین ویژه کودکان از بین برده شود و حقوقی چون آموزش، بهداشت و دسترسی به غذا و آب پاکیزه برای آنان فراهم گردد. مطابق این تعریف، معلولیت با اهداف توسعه هزاره مرتبط می‌گردد. خوشبختانه، برنامه توسعه هزاره تاکنون توسط ۸۰ کشور امضا گردیده است که به خاطر رابطه آن با معلولین باید اذعان داشت، کشورها حداقل روی کاغذ تمایل به هماهنگ‌سازی قوانین خود با برنامه هزاره و کنوانسیون معلولین دارند (۱۲).

در قوانین ایران می‌توان به صورت پراکنده حمایت‌های در زمینه تأمین اجتماعی از خانواده‌های دارای معلول و یا خود معلول مشاهده نمود. برای مثال در قانون مدیریت خدمات کشوری راجع به کمک هزینه‌های عائله‌مندی در بند ۴ ماده ۶۸ محدودیت سن را برای فرزندان معلول حذف نموده و این کمک را حتی اگر فرزند معلول بالای ۲۵ سال سن داشته باشد را متعلق به حقوق بگیر می‌داند. همچنین در قانون تأمین اجتماعی در ماده ۵۶ به کارگیری بیمه‌شدگانی که آسیب دیده و فعالیت اولیه خود را از دست داده‌اند را در کارهای مناسب دیگر بیان داشته است، اما نکته‌ای که در این مواد می‌باشد، این است که تأمین اجتماعی یا به صورت غیر مستقیم به معلول مربوط می‌شود و یا در رابطه با معلولینی است که در اثر سانحه‌ای در مدت بیمه دچار معلولیت

شده‌اند و معلولین مادرزاد یا آنانی که تحت بیمه نبوده‌اند را شامل نمی‌گردد. در ماده ۳۹ بند «ج» قانون برنامه توسعه پنجم نیز تأمین حق سرانه بیمه اجتماعی زنان سرپرست خانوار نیازمند، افراد بی‌سرپرست و معلولین نیازمند در طول سال‌های اجرای برنامه را در اهداف خود در بخش حمایتی و توانمندسازی قرار داده است.

قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی که به منظور حمایت همه افراد کشور در برابر رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و پیام‌های آن و برای ناتوانان جسمی، ذهنی و روانی تصویب شده است، در ماده ۱ بند «و» و در ماده ۴ نیز بند «ه» تأمین حداقل زندگی برای همه افرادی که درآمد کافی ندارند، با اولویت افرادی که به دلایل جسمی و روانی قادر به کار نیستند، از جمله اهداف و وظایف حوزه حمایتی این قسمت دانسته است (۱۳).

در رابطه با قوانین جانبازان و ایثارگران بند «ب» ماده ۴۴ برنامه پنجم توسعه «تأمین ۱۰۰٪ هزینه درمانی ایثارگران شاغل و افراد تحت تکفل آنان بر عهده دستگاه اجرایی مربوطه و هزینه درمانی ایثارگران غیر شاغل و افراد تحت تکفل آنان بر عهده بنیاد شهید و امور ایثارگران» می‌داند.

۳- حق بر آموزش

حق بر آموزش یکی دیگر از حقوق اجتماعی کودکان معلول شامل فراگیری معلومات از طریق آموزش و پرورش ابتدایی و عمومی و تخصص‌های عملی از طریق آموزش کاربردی، نظیر آموزش فنی و حرفه‌ای می‌باشد. تحصیل لااقل در مراحل ابتدایی باید رایگان باشد. بنابراین نیاز به تحصیل و آموزش به خصوص در دنیای امروز برای هر فردی با در نظر گرفتن شرایط و موقعیت‌های مختلف، امری ضروری می‌باشد. در گزارش وارناک به سه شکل یکپارچه‌سازی مکانی، یکپارچه‌سازی اجتماعی و یکپارچه‌سازی کنشی در مورد کودکان مبتلا به انواع مختلف معلولیت‌ها و کودکان استثنایی اشاره شده که به توان‌بخشی آنان در محیط آموزشی عادی تأکید می‌کند (۵).

حق بر آموزش در بسیاری از اسناد بین‌المللی به عنوان وظیفه دولت‌ها و حق بشری مورد تأیید قرار گرفته است. در سال ۱۹۶۰ کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش

یونسکو (Convention against Discrimination in Education) به تصویب سازمان ملل رسید و خوشبختانه، دولت ایران هم به این کنوانسیون ملحق شده است، اما در آمارهای یونسکو آمده است که ۹۰٪ کودکان معلول در کشورهای در حال توسعه در کلاس درس حاضر نمی‌شوند. میزان با سواد افراد معلول در سطح جهانی، زیر ۳۰٪ بوده و این میزان برای زنان معلول طبق گزارش برنامه توسعه سازمان معلول در سال ۱۹۹۸، ۱٪ بوده است (۱۴). در کنار این مشکلات آمارها نشان می‌دهد که در همه کشورها نیمی از دانش‌آموزانی که به آموزش ویژه نیاز دارند، دچار ناتوانی یادگیری هستند. این رقم بالا اهمیت توجه به این گروه را نشان می‌دهد (۱۵).

در تحقیقی که سازمان بهداشت جهانی در سال ۲۰۰۷ داشته است، سازمان‌های خصوصی با ۸۸٪ فعالیت نسبت به سازمان‌های بین‌المللی با ۶۲٪ حضور نقش به‌سزایی در توسعه حقوق معلولین داشته‌اند، اگرچه جنبه حمایتی از سوی سازمان‌های خصوصی بر پایه خدمات توان‌بخشی و در سازمان‌های بین‌المللی بر پایه آموزش و رویکرد توسعه حقوق بشر بوده است (۱۶).

در سال ۱۹۷۱ برای حمایت از معلولین صندوقی به نام حق تحصیل معلولین و صندوق حمایت (DREDF: Disability Rights Education and Defense Fund) تأسیس شد که در تحصیل کودکان معلول بسیار مؤثر واقع شد (۱۷).

این آمار در حالی است که توجه به حق آموزش معلولین در بند اول ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است که «تحصیل لاقول در مراحل ابتدایی و پایه باید رایگان باشد. تحصیلات ابتدایی باید اجباری باشد و آموزش عالی باید برای همه یکسان و بر اساس شایستگی در دسترس باشد.» قواعد استاندارد در مقرر شماره ۶ بیان می‌دارد که «دولت‌ها باید اصل فرصت‌های آموزش برابر ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را برای کودکان، جوانان و بزرگسالان دارای معلولیت در محیط‌ها و فضای یکپارچه به رسمیت بشناسند.» در مواد ۱۳ و ۱۴ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز به حق آموزش برای افراد تأکید شده است، اما آنچه مورد نظر است آموزش معلولین می‌باشد که در تفسیر شماره ۵ عمومی میثاق به ذکر آن پرداخته شده و در بند «ز»

شماره ۳۵ حق بر آموزش را بدون هیچ تبعیضی به خاطر معلولیت برای معلولین در نظر گرفته است.

اما در مهم‌ترین سند حقوقی معلولین که همان کنوانسیون حقوق معلولین می‌باشد، در ماده ۲۴ این سند آمده است: «دولت‌های عضو حق آموزش را برای افراد معلول به رسمیت می‌شناسند و برای تحقق این هدف بدون تبعیض و بر مبنای فرصت برابر، دولت‌های عضو نظام آموزشی فراگیری را در تمام سطوح و به صورت آموزش مادام‌العمر تضمین می‌نمایند.»

در بند ۵ این ماده نیز به آموزش عالی برای معلولینی که توانایی آن را دارند، اشاره شده است و دولت‌های عضو را ملزم دانسته که بدون تبعیض و به میزان برابر با سایرین باشد.

به نظر می‌رسد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آزادی آموزش و پرورش را پیش‌فرض تلقی و به همین دلیل به آن اشاره‌ای صریح نداشته است. در این قانون بر اصل آموزش و پرورش و همگانی بودن و رایگان بودن آن نه در سطح ابتدایی که تا سطح متوسطه تأکید شده است، لذا با توجه به بند سه اصل سوم قانون اساسی یکی از وظایف اساسی دولت تأمین آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح مهیا سازد و تسهیل و تعمیم آموزش عالی است.

همچنین به دلیل عضویت ایران در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش یونسکو دولت ایران ملزم به رعایت حق آموزش و پرورش است (۱۸).

۴- حق بر سلامتی

حق بر سلامتی پیوندی جدایی‌ناپذیر با حق حیات (نسل اول حقوق بشر) دارد و از سوی دیگر با حق بهداشت و تأمین اجتماعی پیوند خورده است. حق بر محیط زیست سالم که در نسل سوم حقوق بشر قرار می‌گیرد نیز از سرچشمه حق بر سلامتی سیراب می‌شود. به این ترتیب حق بر سلامتی را می‌توان حلقه ارتباط نسل‌های مختلف حقوق بشر قلمداد نمود (۱۹).

این بحث در خصوص کودکان معلولین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به طور کلی ۳۱٪ از معلولین از کمبود بهداشت رنج می‌برند، این در حالی است که تنها ۶٪ افراد دیگر کمبود بهداشت دارند (۲۰).

کودکان معلول بیشتر از سایرین به مراقبت‌های بهداشتی نیاز دارند، اما تحقیقات نشان می‌دهد که در کشورهای در حال توسعه بین ۷۶ تا ۸۵ درصد افراد معلول ذهنی به اولی‌ترین درمان‌های لازم خود دسترسی ندارند و در کشورهای توسعه‌یافته نیز آن آمار بین ۳۵ تا ۵۰ درصد گزارش شده است (۱۶).

نهادهای سلامت عمومی باید قسمتی از دغدغه خود را معطوف به سلامتی افراد معلول ذهنی کنند. بسیاری از کشورها عوامل مربوط به ناتوانی ذهنی و روش‌های پیشگیری از آن را هدف خود قرار داده‌اند، روش‌هایی مانند عوامل محیطی، پیش از تولد و شرایط پس از تولد، اوایل دوران کودکی و رفتارهایی که در بزرگسالی می‌توانند مؤثر واقع شوند. برخی از این برنامه‌ریزی‌ها بیش از ۱۰ سال نیاز به زمان دارند (۲۱). در ماده ۱۲ میثاق که توجه خود را مبذول به بهداشت نموده است، بر اساس بند ۲ این ماده تدابیری که کشورهای عضو میثاق برای تأمین استیفای کامل این حق اتخاذ خواهند کرد را شامل اقداماتی چون تقلیل میزان تولد نوزاد مرده، بهبود بهداشت و... دانسته است.

همچنین طبق قواعد استاندارد، تضمین ارائه مراقبت‌های پزشکی (Medical Care) در قاعده دوم که به عنوان شرطی برای تحقق مشارکت برابر بیان شده است. بدین منظور دولت‌ها باید برای تشخیص، ارزیابی و درمان سریع لطمات و معلولیت‌ها به سمت ارائه برنامه‌هایی که به وسیله گروه‌هایی متشکل از رشته‌های مختلف اداره و اجرا می‌شود، حرکت نمایند (بند ۱ از قاعده دوم). کنوانسیون حقوق معلولین در ماده ۲۵ دولت‌های عضو را مکلف دانسته است که برای افراد معلول حق برخورداری از بالاترین معیارهای بهداشتی را بدون تبعیض برای آن‌ها به رسمیت بشناسند، از جمله این‌که برای افراد ناتوان، همان میزان کیفیت و معیارهای رایگان یا قابل پرداخت در مورد مراقبت‌ها و برنامه‌های بهداشتی را همان‌گونه که برای سایرین ارائه می‌گردد، از جمله:

- ارائه خدمات در صورت امکان در نزدیک‌ترین محل سکونت آنها از جمله روستاها.
 - ممنوعیت تبعیض علیه معلولین در موارد مربوط به بیمه مگر این‌که منطقی باشد.
 - جلوگیری از اعمال تبعیض‌آمیز مراقبت‌های پزشکی یا خدمات بهداشتی یا غذا و مایعات بر مبنای معلولیت.

ملاحظه می‌شود که در این ماده به بهداشت روحی معلولین و کودکان معلول نیز توجه گردیده است. ذکر این نکته نیز خالی از فایده نیست که در دو بند آخر که تبعیض را ممنوع دانسته است، با توجه به برابری فرصت‌ها، تبعیض مثبت مورد نظر قانونگذار نبوده است.

بهره‌مندی از سطح بهداشت یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رتبه‌بندی کشورها می‌باشد. میزان دسترسی و استفاده از این حق اجتماعی بسیار در سایر حقوق اجتماعی و اقتصادی افراد تعیین‌کننده است. در این میان بهداشت معلولین و کودکان معلول در هر کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، چراکه این قشر از جامعه به دلیل محدودیت و موقعیت موجود خود نیازمند دریافت خدمات ویژه‌ای نسبت به سایر افراد جامعه هستند تا بتوانند در وضعیتی برابر با سایر افراد قرار گیرند. از همین رو در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران، برخورداری از سلامت را به عنوان اولین اولویت سند در افق بیست ساله قرار داده شده است، بدین‌نحو که در این مدت جامعه ایرانی باید به این اهداف نائل آید. در متن سند چنین آمده است: «برخورداری از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب» از افق‌های این سند می‌باشد. در مواد ۳۲ الی ۳۸ قانون برنامه توسعه پنجم نیز به برخورداری از حق سلامت و بیمه سلامت پرداخته است، اما اشاره‌ای مستقیم در رابطه با معلولین نشده است، اما آنچه در ماده ۳۷ مبنی بر پیشگیری و مقابله با بیماری‌ها و عوامل خطرناک سلامتی (که بیشترین هزینه اقتصادی و اجتماعی) آمده است، در راستای خدمات بهداشتی برای معلولین نیز می‌تواند تفسیر گردد.

البته پرواضح است که حق بهداشت رابطه تنگاتنگی با مسأله بیمه دارد و شاید بتوان اذعان داشت، در قانونگذاری کشور ما رعایت این بخش از حقوق معلولین در حمایت از بیمه‌گذاری معلولین می‌باشد.

۵- حق برخورداری از محیط مناسب

محیط شهری، فضای زندگی روزمره شهروندان است که هر روز به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در طول راه ادراک می‌شود. این حق از محدود حقوقی می‌باشد که تا وقتی جامعه بین‌المللی با طرح سؤالی برای حقوق معلولین مواجه نشده بود، به خاطر عدم مشکل سایر افراد در اسناد بین‌المللی هم مطرح نگردیده بود. بنابراین در این قسم از حقوق کودکان معلول، باید مستقیماً به اسناد ویژه معلولین بپردازیم.

در قوانین استاندارد که در چارچوبی خاص ارائه گردیده است، در ماده ۵ خود به این حق اشاره داشته و بیان کرده است که دولت‌ها می‌بایست اهمیت کلی دسترسی به فرصت‌های مساوی را در تمامی ابعاد جامعه دریابند. همانطور که اشاره شد، چون دسترسی به محیط فیزیکی امری است که برای عموم بدون تمهیدات خاصی در هر جامعه‌ای صورت می‌گیرد. بنابراین در تفسیر عمومی شماره ۵ که نظر گسترده به حقوق معلولین داشته است، دسترسی به مسکن مناسب و محیط فیزیکی مطلوب مورد نگرش و توجه قرار گرفته شده است؛ ناگفته پرواضح است که رسیدن به نقطه مطلوب در این امر بسیار به حقوق اقتصادی معلولین مربوط می‌گردد و بهبود دسترسی معلولین رابطه‌ای تنگاتنگ با وضعیت اشتغال و درآمذایی معلولین دارد و نهایتاً کاهش خدمات تأمین اجتماعی از سوی دولت‌ها را در پی خواهد داشت که این نتیجه مهم ناشی از حقی می‌شود که در قانونگذاری‌ها به آن کم‌تر توجه شده است، هرچند برخی از کشورهای توسعه‌یافته از جمله آمریکا که به اهمیت نتیجه این حق واقف شده اند و قانونی خاص به نام «ای.دی.ای (ADA)» استانداردهای برای طراحی قابل دسترسی معلولین مصوب سال ۲۰۱۰ (Americans with Disabilities (ADA Act)) Standards for Accessible Design) در رابطه با همین حق دارند. در ماده ۲

همین قانون آمده است که وسایل نقلیه عمومی باید به گونه‌ای تعبیه شوند که برای زمانی که معلولین تنها هستند، مناسب باشند.

در بند «الف» ماده ۹ کنوانسیون حقوق معلولین نیز به این مهم پرداخته است و به تفصیل آورده است که دولت‌ها باید محیط فیزیکی مدارس، راه و ترابری، ساختمان‌ها، خانه‌ها و تأسیسات پزشکی و محیط کار را برای استفاده راحت معلولین مهیا سازند.

در قوانین ایران تا قبل از تصویب قانون جامع حمایت از معلولین هیچ‌گونه سخنی از مناسب‌سازی محیط متناسب با معلولین نبود، اما پس از تصویب آن در پی اجرایی شدن برخی از مواد آن، آیین‌نامه‌هایی به تصویب رسیدند که مجموعه ماده مربوطه و آیین‌نامه اجرایی آن کل مبحث در این زمینه را شامل می‌گردد که به بیان مفاد اصلی آن و سپس ایرادات وارده می‌پردازیم.

در ماده ۲ قانون جامع حمایت از معلولین کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی را موظف در طراحی و احداث ساختمان‌ها و اماکن عمومی و وسایل خدماتی به نحوی می‌داند که مناسب دسترسی و بهره‌مندی معلولین همچون سایر افراد باشد. نکته‌ای که در این ماده به چشم می‌خورد، این است که متأسفانه در این ماده به بخش خصوصی توجهی نکرده است و آن‌ها را ملزم به متناسب سازی اماکن مربوط به بخش خصوصی نکرده است، این در حالی است که با عنایت به این امر که برنامه‌های کشوری به سوی خصوصی‌سازی در حرکت می‌باشد، گویا معلولین را از بخش عظیمی از بهره‌مندی محروم ساخته است. نکته دیگری که از تبصره ۱ این ماده مستفاد می‌شود، باتوجه به متن تبصره که مناسب‌سازی را در چارچوب بودجه سالیانه اختصاصی برای هر سازمان یا نهاد دولتی می‌داند، از کیفیت اجرایی می‌کاهد و موجب سست شدن اجرای این ماده می‌گردد و بهانه را برای عدم اجرای این ماده به سازمان‌ها می‌دهد، هرچند اگر این تبصره نیز مقرر نمی‌شد، همین حکم راجع به کلیه مواد این قانون در ماده آخر لحاظ گردیده است و عملاً اجرای این قانون را مخدوش ساخته است. تبصره بعد این ماده راجع به موظف بودن شهرداری از خودداری صدور پروانه ساخت یا پایان کار برای آن‌هایی که استانداردهای تخصصی را اجرا

نکرده‌اند، می‌باشد که برای ساخت استاندارد ادامه ساختمان‌ها بسیار مقرر مفیدی می‌باشد. در آیین‌نامه اجرایی ذیل ماده ۲ بیان داشته شده است که هر ساله باید ۳۰٪ ساختمان‌ها و اماکن عمومی مناسب‌سازی شود و طی یک برنامه ۳ ساله کلیه ساختمان‌های مذکور مناسب‌سازی شوند. این در حال است که امروز پس از گذشت بیش از ۵ سال هنوز برخی اماکن مناسب سازی نشده‌اند.

همچنین در بند «ب» ماده ۱۶۹ قانون برنامه پنجم توسعه، مناسب‌سازی فضاهای شهری برای سازمان‌ها به عنوان یک تکلیف شناخته شده است که متأسفانه چون الزام و ضمانتی در این مورد در نظر گرفته نشده، از سوی سازمان‌ها نیز جدی انگاشته نشده است.

نتیجه‌گیری

کودکان معلول در درون جامعه و در بین ما زندگی می‌کنند و اگر این واقعیت را که اکثر معلولیت‌ها پس از تولد و در سنین نوجوانی و جوانی روی داده‌اند را مد نظر قرار دهیم، به این مسأله می‌رسیم که ما نیز از این امر مصون نیستیم و همواره در معرض انواع معلولیت و از کار افتادگی هستیم. پس پرداختن به معلولین، پرداختن به خودمان است.

مبانی حقوق معلولین مانند همه انسان‌ها، کرامت و ارزش ذاتی بشر و اصل برابری هستند که به عنوان اصول حقوق برای همه افراد است. بنابراین اگر اسنادی خاص برای معلولین به تصویب می‌رسد و یا در ظاهر حمایت‌هایی در سطح بین‌المللی صورت می‌گیرد صرفاً جهت برگرداندن حقوقی است که سال‌ها نادیده انگاشته شده با توجه به آنچه بیان شد، باید اذعان داشت اسناد خاص معلولین به خوبی توانسته‌اند بیانگر حقوق معلولین باشند، اما آنچه مهم‌تر است حفظ حقوق معلولین در کشورها می‌باشد که با تغییر نگرشی که در سطح بین‌المللی ایجاد شده است و در پرتو آن از دوران طرد و به انزوا بردن معلولین و ترحم و حمایت گذر کرده‌ایم و به دوران برابری فرصت‌ها

رسیده‌ایم، باید امیدوار به حفظ حقوق معلولین نیز بود. علی‌رغم تمامی این داشته‌ها، روی دیگر سکه آمارهایی است که از وضعیت زندگی، اشتغال و آموزش معلولین و به ویژه کودکان معلول در دست است. حرکت به سوی رفع موانع اشتغال معلولین، هماهنگی بین نهادهای مختلف را می‌طلبد و نباید سازمان بهزیستی را تنها گذاشت و باید بخشی از مسؤلیت را به دوش سازمان‌های غیر دولتی قرار داد. به نظر می‌رسد پیشرفت در حقوق بشر اغلب با اعمال و اجرای حقوق سنجیده نمی‌شود و گویا در تعداد توافق‌های بین‌المللی خلاصه شده است. همچنین پرواضح است در وضعیتی که ترتیبات مربوط به تأمین خدمات عمومی به صورت افزایش‌دهی در حال خصوصی‌سازی است و بازار آزاد به میزانی بیش از گذشته مورد اتکا قرار می‌گیرد، ضروری است کارفرمایان خصوصی نیز تابع هر دو هنجار عدم تبعیض و برابری در ارتباط با اشخاص دارای معلولیت باشند. در وضعیت‌هایی که این حمایت از حوزه عمومی فراتر نمی‌رود، توانایی اشخاص دارای معلولیت به مشارکت در جریان اصلی فعالیت‌های جمعی و محقق ساختن استعداد کامل خود به عنوان اعضای فعال جامعه به طور شدید و اغلب خودسرانه محدود می‌شود.

سخن آخر این‌که در این راستا پرواضح است که نقش افراد توان‌یاب و به صورت خاص کودکان معلول در صورت‌بندی، طرح و برنامه‌ریزی سیاست‌های مربوط را نباید نادیده انگاشت. همچنین از آنجا که هسته اصلی سازمان‌های فعال در این زمینه توان‌یابان هستند، باید عضویت خانواده‌های این افراد نیز گسترش یابد، زیرا تا حد زیادی آشنا به مشکلات این گروه می‌باشند.

References

1. United Nations ESCAP (Economic Social Commission for Asia and the Pacific. Disability at a Glance. Bangkok: ESCAP Publishing; 2012. p.1.
2. Handbook for Parliamentarians on the Convention on the Rights of Persons with Disabilities. Geneva: United Nations Publishing; 2007. p.1. Available at: <https://www.un.org/development/desa/disabilities/resources/handbook-for-parliamentarians-on-the-convention-on-the-rights-of-persons-with-disabilities.html>.
3. Azarnoosh A. Arabic Dictionary of Contemporary Arabic-Persian Culture. 13th ed. Tehran: Ney Publication; 2011. [Persian]
4. Faraji MA. A Comparative Study of the Rights of the Disabled in the Field of Employment. Tehran: Jangal Publications; 2010. p.13. [Persian]
5. Bani Hashemi SA, Gholamzadeh SH. Education of Exceptional Children. 1st ed. Tehran: Payame Noor University Press; 2009. p.14-15. [Persian]
6. Available at: <https://www.legifrance.gouv.fr/affichTexte.do?cidTexte=JORFTEXT000000809647>.
7. Moradzadeh Rahmatabadi H. Civil Liability and Compensation. Ph.D. Thesis. Tehran: University of Tehran; 2000. p.250. [Persian]
8. Qari Seyed Fatemi SM. Discourse Transformation: "Rights and Freedoms of the Disabled in the Mirror of Contemporary Human Rights". Bi-Quarterly Journal of Legal Research 2008; 7(13): 188. [Persian]
9. Shafiabadi A. Vocational Rehabilitation of the Disabled. Tehran: Jangal Publications; 2003. p.10.
10. Hashemi SM. Fundamental Rights in the Islamic Republic of Iran. Principles and General Foundations of the System. 1st ed. Tehran: Shahid Beheshti University; 1995. Vol.1 p.72. [Persian]

11. Convention on the Rights of Persons with Disabilities (CRPD). Art.28. 1989. Available at: <https://www.un.org/development/desa/disabilities/convention-on-the-rights-of-persons-with-disabilities.html>.
12. Available at: [https://www.un.org/millenniumgoals/pdf/\(2011_E\)%20MDG%20Report%202011_Book%20LR.pdf](https://www.un.org/millenniumgoals/pdf/(2011_E)%20MDG%20Report%202011_Book%20LR.pdf). Accessed July 10, 2020.
13. Bakhtar SA. The Rights of Persons with Disabilities in Iranian Law. Tehran: Jangal Publications; 2009. p.56. [Persian]
14. Handbook for Parliamentarians on the Convention on the Rights of Persons with Disabilities and its Optional Protocol from exclusion to equality. Geneva: United Nations publishing; 2007. p.1. Available at: <https://www.un.org/disabilities/documents/toolaction/ipuhb.pdf>.
15. Lotfabadi H. Educational Psychology. 4th ed. Tehran: Samt; 2000. p.353. [Persian]
16. World Health Organization (WHO). Atlas Global Resources for Persons with Intellectual Disabilities. Geneva: World Health Organization Publishing; 2007. p.71. Available at: <https://www.google.com/search?client=firefox-b-d&q=World+Health+Organization+%28WHO%29.+Atlas+Global+Resources+For+Persons+With+Intellectual+Disabilities%2C+2007>. Accessed June 10, 2020.
17. Zames Fleisher D, Zames Fleisher F. The Disability Rights Movement. Philadelphia: Temple University Press; 2001. p.78.
18. Available at: <https://en.unesco.org/themes/right-to-education/convention-against-discrimination>.
19. Zamani SG. Simulation of Therapy and the Right to Health in the Realm of International Human Rights. Research in Law and Politics 2006; 4(19): 25-40. [Persian]
20. Disability and Millennium Development Goals, UN intonations. New York: United Nation Publishing; 2011. p.2. Available at https://www.un.org/disabilities/documents/review_of_disability_and_the_mdgs.pdf. Accessed June 10, 2020.

21. Durkin M. The epidemiology of developmental disabilities in low income countries, *Mental Retardation and Developmental. Disabilities Research Reviews* 2002; 3(8): 206-211.